

خُدُودِهِ أَيْنَ مُخَيَّبِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ
أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ الشَّرِكِ وَالتَّقَايِ»^۱.

شیعه‌ای که خود را در دوره تاریخی پرمحنت و مبتلا به انواع بلاها می‌بیند صفاتی از خدا برایش مأنوس‌ترند: خدای عصر غیبت با عناوینی چون «صاحب کل غریب» و «مونس کل وحید» بیشتر خوانده می‌شود. بنده‌ای که امر خدا روی زمین را از دست رفته و به کنار گذاشته می‌بیند با کثرت و غلبه ناامیدی روبه‌روست و اینجا نیز شیوه و راه‌نمای مناجاتی که از امام اول به او رسیده نجات‌بخش اوست: شیوه‌ای که دعا را با صلوات بر پیامبر و خاندانش و امید به خدا، رحمت و مغفرت او و اعتراف به ناتوانی بنده از درک حکمت خدا به پایا می‌رساند و خواهان توانی برای تحمل تنگی عرصه و به سلامت برداشتن از طوفان بلاست: «وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ يَفْتَحْ مِنْكَ تَعَجُّلَهُ وَبُصْرَ تَكْشِفُهُ وَنَصْرَ تَجْرُهُ وَ سُلْطَانَ حَقِّ تَظْهِرُهُ وَرَحْمَةً مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَ عَافِيَةً مِنْكَ تُلَبِّسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

+

پی‌نوشت

۱. زیرا تو بندگانت را به بندگی فرمان دادی و به دعا و درخواست از خود امر کردی و اجابت دعا را برای آنان ضامن شدی.
۲. رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید و سازوبرگش اشک ریزان است.
۳. و بر من منت گذار با پاسخ نیکویت و لغزشم را نادیده انگار و گناهم را ببخش.
۴. پس به عزت‌ای آقا و مولایم سوگند صادقانه می‌خورم، اگر مرا در سخن گفتن آزاد بگذاری در میان اهل دوزخ به پیشگاهت سخت ناله سردهم، همانند ناله آرزومندان، و به درگاهت بانگ بردارم، همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند، و هر آینه به آستانت گریه کنم، چونان که مبتلا به فقدان عزیز می‌باشند، و صدا می‌زنم: کجایی ای سرپرست مؤمنان.
۵. خدایا، مرا به که و اگر داری می‌کنی؟ به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد، یا به بیگانه تا با من با ترش رویی برخورد کند یا به آنان که خوار می‌شمردند؟ و حال اینکه تو خدای من و زمامدار کار منی. من به تو شکایت می‌کنم، از غربتم، و دوری خانه‌آخترم، و سبکی ام نزد کسی که اختیار کار را به او دادی. خدایا غضبت را بر من فرود نیاور، اگر در مقام خشم کردن بر من نباشی، از غیر تو باک ندارم. منزهی تو، جز اینکه عافیت بر من گسترده‌تر است.
۶. خدایا از نفسی که زیاد به بدی فرمان می‌دهد به تو شکایت می‌کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا و آژند به انجام گناهان و در معرض خشم توست.
۷. خدایا به گناهانم نزد تو اعتراف می‌کنم و حاجت خود را به تو می‌گویم و از فقر و تنگدستی و سختی قلبم وای جانم به تو شکایت می‌کنم.
۸. خدایا از نبود پیامبران که درودهای تو بر او و خاندانش واز ناپیدایی مولایمان، و بسیاری دشمنانمان و کمی نفراتمان، و سختی فتنه‌ها به سویمان، و از جریان زمان برزیانمان به درگاه تو شکوه می‌آوریم.
۹. کجاست آنکه برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن امید شده برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنت‌ها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزوشده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست درهم‌شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی؟
۱۰. و ما را در برابر این همه یاری فرما به گشایشی از جانب خویش که زود برسانی، و بد حالی‌ای که برطرف کنی، و پیروزی با عزت بر ایمان قرار دهی، و سلطنت حقی که آشکارش فرمایی، و به رحمتی که از سویت ما را فراگیرد، و به سلامتی کاملی که از جانب ما را ببوشاند، ای مهربان‌ترین مهربانان (دعای افتتاح).

شده است: «الهی والی غیرک فلا تکلنی. الھی الی من تکلنی؟ الی قریب فیقطنی ام الی تبعد فیبتجھمنی ام الی المُستضعفین لی وَأَنْتَ رَبِّی وَمَلِیکَ أَمْرِی أَشْکُو إِلَیکَ عَزَّتِی وَبُعْدَ دَارِی وَهَوَانِی عَلَی مَنْ مَلَکْتَهُ أَمْرِی فَلَا تُحْلِلِ عَلَیَّ عَصَبِکَ فَإِنَّ لِمَنْ تَنْگَنَ غَضِبْتَ عَلَیَّ فَلَا أَبَالِی شِحَانِکَ غَبْرَانَ عَافِیَتِکَ أَوْسَعِ لِی»^۵.

در مجموعه دعا‌های نقل شده از امام زین العابدین، شکایت بردن به خدا از اعمال خود انسان رواج بیشتری یافته است. مشتکی عنه نفس اماره یا شیطان است و شاکی نفس لوامه یا خود انسان که از گناهان خود به تنگ آمده است: او از نفسی که او را به بدی می‌خواند به خدا شکایت می‌کند: شکایتی که اگر چه پیش از این نیز در ادعیه حضور داشت، اما چنین ضربی بی‌نیافته بود. صحیفه سجاده‌ای از این جهت و نیز به دلیل اینکه دعا‌های مختلفی را در شرایط مختلف پیشنهاد می‌دهد تحول و تنوعی در مجموعه مناجات‌های شیعه رقم می‌زند. در دعای ابو حمزه ثمالی که از ایشان نقل شده و در «مناجات‌الشاکیین» که از مناجات‌های خمس عشر حضرت است، مفهوم مشترک «شکایت از نفس» به وفور یافت می‌شود: «الهی إِلَیکَ أَشْکُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً، وَ إِلَی الخَطِیئَةِ مُبَادِرَةً، وَ بِمَعَاصِیکَ مُؤَلَّعَةً، وَ لِسَخَطِکَ مُتَعَرِّضَةً»^۶ و در دعا‌های پس از این نیز همچنان این شکایت و عرض خواسته نزد خدا پررنگ است. چنانچه در دعای وداع ماه رمضان که از امام صادق نقل شده آمده است: «الهی فَإِنِّی أَعْتَرِفُ لَکَ بِذُنُوبِی وَ أَدْکُرُ لَکَ حَاجَتِی وَ أَشْکُو إِلَیکَ مُسْکِنَتِی وَ فَاقَتِی وَ قِسْوَةَ قَلْبِی وَ مِثْلَ نَفْسِی»^۷.

این مضامین در دعا‌هایی که بعد از امام سجاد نقل شده پرتکرار است و گلايه از شرایط زمانه با نزدیکی به عصر غیبت و آخرالزمان کم‌کم در مناجات‌ها پیدا می‌شوند. دعای افتتاح ماه رمضان که منقول است از امام عصر به محمد بن عثمان، نأث دوم خود، نقل شده از شکلی جدید از عرض شکایت به خدا برده برمی‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْکُو إِلَیکَ فَقَدْ نَبِینَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ غَیْبَتَهُ وَ لَبِینَا [إِمَامِنَا] وَ کَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا، وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَطَاهُرَ الرِّمَانِ عَلَیْنَا»^۸.

این دعا را می‌توان سرآغاز تغییر شکل مناجات‌های شیعه برشمرد. قابل حدس است که با غصب حکومت الهی و قرار گرفتن شیعه در موضع ضعف و آغاز عصر غیبت شکایت او از زمانه و شرایط اجتماعی و سیاسی و طاغوت در مناجات‌هایش بازتاب می‌یابد. باور به آخرالزمان و تیره شدن اوضاع و سخت‌تر شدن شرایط نحوه و مضامین جدیدی در عرض خواسته و تضرع‌های شیعه رقم زده است، از دعا‌های موسوم به فرج که لزوماً متصل به سندی موثق نیستند و زاییده اضطراب و تنگی شرایط و ناپسامانی‌ها و شوریدگی‌های شیعه عصر غیبت است: دعایی چون «الهی عظم البلاء» که تا پایان آکنده از بی‌قراری و دردمندی است و از غیبت ولی خدا در زمین شکوه دارد و خواهان تعجیل در ظهور امامی است که گره‌گشای این شرایط خواهد بود. در آیه ۲۱۴ سوره بقره نقل شده است که «برآنان رنج و سختی‌ها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آن‌گاه که رسول و گروندگان با او گفتند: متی نصرالله؟» این پرسش در دعا‌های عصر غیبت به گونه‌ای دیگر و با برشمردن مصادیق ناامیدی و تلخی اوضاع و شرایط آخرالزمان تکرار شده است: در فرازی نده آمده است:

«أَیْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَ الْعُوجُ أَیْنَ الْمُرْتَجَى لِإِلَآلَةِ الْجُورِ وَ الْعُدْوَانِ أَیْنَ الْمَدْحَرِ لِتَجْدِیدِ الْفِرَاقِ وَ السُّنَنِ أَیْنَ الْمَتَّخِرِ [الْمُتَّخِدِ] لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ أَیْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِخِیَاءِ الْکِتَابِ وَ

با غصب حکومت
الهی و قرار گرفتن
شیعه در موضع
ضعف و آغاز عصر
غیبت، شکایت او
از زمانه و شرایط
اجتماعی و
سیاسی و طاغوت
در مناجات‌هایش
بازتاب می‌یابد. باور
به آخرالزمان و
تیره شدن اوضاع
و سخت‌تر شدن
شرایط، نحوه و
مضامین جدیدی
در عرض خواسته و
تضرع‌های شیعه
رقم زده است.